



## دیه و قصاص؛ تکلیف حکومت و حق زنان

پدیدآورنده (ها) : محمدی جورکویه، علی

علوم اجتماعی :: نشریه مطالعات راهبردی زنان :: بهار ۱۳۸۳ - شماره ۲۳ (ISC)

صفحات : از ۱۳۵ تا ۱۵۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/212040>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۱۲/۰۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- بررسی تفاوت دیه زن و مرد در قانون مجازات اسلامی و مبانی فقهی آن
- درآمدی بر تربیت جنسی در نهج البلاغه
- ارائه الگوی نظری تربیت عقلانی جهت نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی براساس مبانی معرفت‌شناختی قرآن کریم
- فهرست مقاله ها
- نگاهی بر حقوق زنان از منظر حقوق بین الملل؛ « مطالعه موردی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان »
- پیش بینی گرایش به مصرف مواد بر اساس نشانه های نقص توجه / بیش فعالی در بزرگسالان
- فلسفی: شخصیت آثار و دیدگاه های الوین پلانتینگا
- بررسی تشکیک در مراتب و مظاهر از نگاه علامه طباطبایی
- جایگاه و مدت استقرار جنین در رحم از دیدگاه قرآن، حدیث، و علم جنین شناسی
- قیومت و شخصیت زن
- گستره حجاب در قرآن
- بررسی عوامل ضعف خودکنترلی از منظر قرآن کریم

## عناوین مشابه

- دیه و قصاص و تکلیف حکومت و حق زنان
- « فقه جزایی زنان، دیه و قصاص » تشویقی سومین دوره پژوهش های فرهنگی سال
- بازنمایی رابطه باز گونه‌نمای حق و تکلیف در منشور حقوق شهروندی و منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه هوفلد
- نگاهی به قصاص و دیه زنان
- دیه و قصاص زنان در فقه
- مشارکت سیاسی زنان در موج بیداری اسلامی: حق یا تکلیف؟
- به مناسبت ۱۵ شعبان میلاد مسعود حضرت ولی عصر ارواحنا فداه: حکومت حق و عدالت
- قرآن و تکلیف حاکمیت و حق مردم
- قاعده‌انگاری تابعیت حق عفو از حق قصاص در اطلاق و اشتراط
- بررسی و تحلیل حق رای زنان در اندیشه اسلامی

# دیه و قصاص

## تکلیف حکومت و حق زنان

علی محمدی جورکویه \*

چکیده:

مطابق نظر به فقهای شیعه مرد و زن در مقابل یکدیگر قصاص می شوند، لیکن قصاص نفس مرد در برابر نفس زن مشروط به پرداخت نصف دیه مرد است، اما در قصاص عضو، زن و مرد تارسیدن دیه عضو به ثلث دیه کامل با یکدیگر برابرند و پس از آن قصاص عضو مرد در برابر عضو زن مشروط به پرداخت نصف دیه عضو مرد است. دیه نفس زن نیز نصف دیه نفس مرد است، لیکن مرد و زن در دیه عضو تارسیدن آن به ثلث دیه کامل با یکدیگر مساویند و پس از آن دیه عضو زن به نصف دیه عضو مرد کاهش می یابد. در این بررسی معلوم می شود که تفاوت بین زن و مرد در قصاص و دیه از احکام ثابت اسلام بوده، لذا قابل تغییر نیست؛ اگر چه حکومت اسلامی در مقابل زنان سرپرست خانوار مکلف به جبران خسارت می باشد. بدین جهت فلسفه این تفاوت را باید در کلیت نظام حقوقی اسلام جستجو نمود. مسلم است که این حکم تبعیض بین زن و مرد به لحاظ جنسیت و کم ارزش دانستن جان و حق حیات زن یا ترویج خشونت بر ضد وی نیست. در این نوشتار به مباحثی از قبیل: تبیین نظر مشهور فقها، فلسفه قصاص، بیان و نقد نظرات قائلین به تساوی بین زن و مرد در قصاص و دیه، نقش زمان و مکان در دیه و قصاص و بیان وظیفه حکومت نسبت به زنان سرپرست خانوار همراه با پیشنهادهای حقوقی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی:

زن، قصاص، دیه، فاضل دیه، زنان سرپرست خانوار، بیت المال، حکومت اسلامی، زمان و مکان، برابری، خشونت.

\* - سطح چهار حوزه، کارشناس ارشد حقوق جزا.

بحث پیرامون تفاوت بین زن و مرد در برخی مقررات اسلامی از جمله قصاص و دیه، سابقه ای بس طولانی دارد و پیشینه آن به زمان امامان معصوم (ع) می رسد، لیکن در قرن اخیر به دنبال اوج گرفتن مباحث مربوط به حقوق زن و تساوی آن با حقوق مرد در غرب و تحولات به وجود آمده در این حوزه، جهان اسلام نیز متأثر از این گفتگوها و تحولات، بحث حقوق زن و مرد به ویژه قصاص مرد در برابر زن و دیه زن، ابعاد وسیع تر و جدی تری پیدا کرده است؛ گاه سخن از بازخوانی مجدد منابع احکام برای استنباط حکمی تازه در این باره است و زمانی بحث از نقش و تأثیر زمان و مکان در این مسأله یا کم ارزش شمرده شدن جان و حق حیات زن در قانون قصاص و دیه و ارتباط این قانون با ترویج خشونت بر ضد زنان است. لازم به ذکر است که به جهت روشن بودن بحث قصاص مرد در برابر مرد و زن در برابر زن و عدم نقش آن در مباحث مورد نظر، از بحث پیرامون آن در این مقاله خودداری می شود.

### تعریف دیه و قصاص

قصاص در لغت به معنای پیروی تدریجی از اثر است و قصاص در قتل و جراحات یعنی پیروی و انجام مثل آن از قتل و جراحات می باشد.<sup>۱</sup>

قصاص اسم برای استیفا است و مجازات جنایت اعم از قتل، قطع و ضرب و جرح در اصل به معنای پیروی از اثر می باشد؛ مثل این که قصاص کننده از اثر و فعل جانی پیروی می کند و هر آنچه که وی انجام داده، انجام می دهد، پس به مثل جرح او، جرح وارد می کند و به مثل قتل او، می کشد.<sup>۲</sup> همچنین قصاص در اصطلاح عبارت از: وارد آوردن مثل جنایت جانی از قتل، قطع، جرح یا ضرب به او است.<sup>۳</sup>

ماده ۱۴۰ ق.م.ا. در تعریف قصاص مقرر می دارد: «قصاص کیفری است که جانی به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد».

۱- ابن منظور، ج ۵، ص ۲۶۹، ماده «قصص».  
 ۲- الطریحی، صص ۱۸۰-۱۷۹، ماده «قصص».  
 ۳- رک. العاملی، الروضة البهية، ج ۲، ص ۱۳۹۶، النجفی، ج ۴۲، ص ۷.

دیه در لغت به معنای حق مقتول می باشد<sup>۱</sup> و آن مالی است که بدل نفس به ولی مقتول پرداخت می شود و گاه بر بدل عضو نیز اطلاق می شود.<sup>۲</sup> دیه در اصطلاح عبارت است از: مالی که به سبب ایراد جنایت بر نفس یا کمتر از نفس انسان آزاد واجب می شود؛ خواه مقدر یا غیر مقدر باشد. اگر چه گاه به غیر مقدر ارش و حکومت گفته می شود.<sup>۳</sup>

ماده ۱۵ ق.م.ا، مقرر می دارد: «دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است.»

### موارد قصاص و دیه

جرایم بر ضد تمامیت جسمانی انسان به لحاظ قصد و اراده مرتکب به جرایم عمدی و غیر عمدی و جرایم غیر عمدی نیز به جرایم خطایی و شبه عمدی تقسیم می شود. جرایم عمدی موجب قصاص، به قصاص نفس و قصاص عضو تقسیم می گردد. قصاص نفس حق اولیای دم و قصاص عضو حق مجنی علیه است. جرایم غیر عمدی موجب دیه می شود که به دیه نفس، عضو و منافع تقسیم می گردد. دیه نفس حق اولیای دم و دیه عضو و منافع حق مجنی علیه است.

### قصاص زن و مرد

#### ۱- قصاص نفس

فقههای شیعه<sup>۴</sup> به اتفاق بر این باور هستند که زن و مرد مسلمان در برابر یکدیگر قصاص می شوند، لیکن قصاص مرد در برابر زن مشروط به پرداخت «فاضل دیه» یعنی نصف دیه مرد از سوی اولیای دم زن است. روایات معتبر و متعددی بر نظریه مذکور دلالت دارد که مورد استناد فقههای شیعه قرار گرفته است:

الف- روایت صحیح حلبی از امام صادق (ع): «قال: فی الرجل یقتل المرأة متعمداً فأراد اهل

۱- ابن منظور، ج ۶، ص ۴۲۱، ماده «ودی».

۲- الشرتونی، ج ۵، ص ۷۴۵، ماده «ودی».

۳- النجفی، ج ۴۲، ص ۲.

۴- رک. الحلبی، صص ۳۸۴-۳۸۳؛ شیخ مفید، المقننه ص ۷۳۹؛ الطوسی، المبسوط، ج ۷، ص ۵؛ الطوسی، الوسیله، ص ۴۳۱؛ الحلی، شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۲۱۰؛ الحلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۵۹۴؛ العاملی، مسالک الانهام، ج ۱۵، ص ۱۰۸؛ امام خمینی، ج ۲، ص ۴۶۷؛ الخوئی، ج ۲، صص ۳۵-۳۴؛ النجفی، ج ۴۲، ص ۸۲ و ...

المراة ان يقتلوه؛ قال (ع): ذاك لهم اذا ادوا الى اهله نصف الدية و ان قبلوا الدية فلهم نصف دية الرجل...»<sup>۱</sup>، امام صادق (ع) درباره مردی که زنی را به عمد کشته بود و اولیای دم زن می خواستند که مرد قاتل را به قتل رسانند، فرمود: آنها این حق را دارند، اگر نصف دية مرد را به بستگان او بپردازند و چنانچه به ديه رضایت دادند، نصف دية مرد برای آنهاست و اگر زنی مردی را بکشد، در مقابل او کشته می شود و چیز دیگری برای اولیای مرد نیست.

ب) - روایت صحیح عبدالله بن سنان از امام صادق (ع): «سمعت ابا عبد الله (ع) يقول: فی رجل قتل امرأته متعمداً، قال: ان شاء اهلها ان يقتلوه قتلوه و يؤذوا الى اهله نصف الدية و ان شاؤوا واخذوا نصف الدية، خمسة آلاف درهم...»<sup>۲</sup>، شنیدم امام صادق (ع) درباره مردی که به عمد زنش را کشته بود، فرمود: اگر اولیای دم زن بخواهند مرد قاتل را بکشند می توانند این کار را بکنند و نصف دية مرد را به بستگانش می پردازند و اگر بخواهند می توانند (بجای قصاص) نصف دية کامل، پنج هزار درهم (از مرد قاتل) دریافت کنند.

ج) - روایت معتبر عبدالله بن مسکان از امام صادق (ع): «قال: اذا قتلت المرأة رجلاً قتلت به و اذا قتل الرجل المرأة فان ارادوا القود ادوا فضل دية الرجل (على دية المرأة) و اقادوه بها و ان لم يفعلوا قبلوا الدية، دية المرأة كاملة و دية المرأة نصف دية الرجل»<sup>۳</sup>، امام صادق (ع) فرمود: اگر زنی مردی را بکشد، در مقابل کشته می شود و اگر مردی زنی را بکشد، در صورتی که اولیای دم زن، قصاص مرد را بخواهند، فاضل (ما به التفاوت) بین دية مرد و دية زن را به بستگان مرد می پردازند و او را در برابر زن قصاص می کنند و اگر این کار را انجام ندهند، دية کامل زن را دریافت می نمایند و دية زن نصف دية مرد است.

برابر این روایات و دیگر روایات<sup>۴</sup> نفس زن و مرد در مقابل یکدیگر قصاص می شوند، لیکن قصاص نفس مرد در مقابل نفس زن مشروط به پرداخت «فاضل دية» از سوی اولیای دم زن است که خواهان قصاص می باشند. بر این بنیاد ماده ۲۰۹ ق.م.ا.مقرر می دارد: «هرگاه مرد مسلمانی عمدآزن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است، لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل، نصف دية مرد را به او بپردازد».

۲- همان، ص ۸۰، ح ۱.

۱- حر العالمی، ج ۲۹، ص ۸۱، باب ۳۳، ح ۳.

۴- زک. همان، صص ۸۶-۸۱، ح ۲۰، ۱۳، ۱۲، ۹، ۸، ۷، ۵، ۴.

۳- همان، ص ۸۱، ح ۲.

۲- قصاص عضو

مطابق نظریه فقهای شیعه،<sup>۱</sup> زن و مرد در قصاص عضو با یکدیگر برابر هستند تا آنجا که دیه عضو به ثلث دیه کامل برسد، در آن صورت، قصاص عضو مرد در مقابل عضو زن مشروط به پرداخت نصف دیه عضو مرد از سوی زن به مرد است. مستند این نظریه روایات<sup>۲</sup> معتبری است که برخی از آنها در ذیل نقل می‌گردد:

الف- روایت معتبر حلبی از امام صادق (ع) درباره مردی که چشم زنی را کور کرده بود: «فقال: ان شأؤا ان یفقؤا عینه و یؤذوا الیه ربع الدیه و ان شاءت ان تأخذ ربع الدیه...»<sup>۳</sup> امام فرمود: اگر زن و بستگانش بخواهند، چشم مرد را کور کنند یک چهارم دیه را باید به او بپردازند و اگر زن بخواهد دیه بگیرد، یک چهارم دیه را دریافت می‌نماید.

ب- روایت معتبر حلبی از امام صادق (ع)، «فقال: سئل ابو عبد الله (ع) عن جراحات الرجال والنساء فی الدیات والقصاص سواء؟ فقال: الرجال والنساء فی القصاص السن بالسن والشجة بالشجة والاصبع بالاصبع سواء حتی تبلغ الجراحات ثلث الدیه، فاذا جازت الثلث صیرت دیه الرجال فی الجراحات ثلثی الدیه و دیه النساء ثلث الدیه»<sup>۴</sup> از امام صادق (ع) پرسیده شد که آیا جراحات مرد و زن در دیه و قصاص برابر است؟ امام فرمود: مرد و زن در قصاص دندان مقابل دندان، شجه<sup>۵</sup> مقابل شجه و انگشت مقابل انگشت با یکدیگر برابرند تا آنجا که دیه جراحات به ثلث دیه کامل برسد و در صورت تجاوز از ثلث، دیه مرد در جراحات دو برابر دیه جراحات زن خواهد بود.

این روایات بر جواز قصاص عضو مرد و زن در برابر یکدیگر دلالت دارد، لیکن قصاص عضو مرد در برابر عضو زن مشروط است به این که در صورت رسیدن دیه عضو به ثلث دیه کامل، زن باید نصف دیه عضو را به مرد بپردازد. بر این اساس ماده ۲۷۳ ق.م.ا. مقرر می‌دارد:

۱- رک. الطوسی، مبسوط، ص ۱۳؛ الحلی، شرایع الاسلام، ص ۲۱۰؛ العاملی، مسالک الافهام، ج ۱۵، صص ۱۱۱-۱۱۰؛ الحلی، قواعد الاحکام، ص ۵۹۴؛ النجفی، ج ۴۲، ص ۳۴۴؛ امام خمینی، ص ۴۸۷؛ الخوئی، ص ۱۵۰ و ...  
 ۲- رک. حرالعالمی، صص ۱۶۴-۱۶۳، باب ۱، ح ۱-۴.  
 ۳- همان، ص ۱۶۶، باب ۲، ح ۱.  
 ۴- همان، ص ۱۶۵، باب ۱، ح ۶.  
 ۵- شجه عبارت از جراحاتی است که به سر و صورت وارد می‌گردد که انواع مختلفی دارد مثل حارصه، دامیه، متلاحمه، سمحاق و ... (رک. ماده ۴۸۰ ق.م.ا.).

«در قصاص عضو، زن و مرد برابرند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرمی اجرحی آکه به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم می شود، مگر این که دیه عضوی که ناقص شده، ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد پردازد.»

### دیه مردوزن

#### الف- دیه نفس

از قوانین مورد اتفاق بین فقهای شیعه<sup>۱</sup> و اهل سنت<sup>۲</sup>، مقدار دیه مردوزن است؛ به گونه ای که تاکنون در میان اندیشمندان شیعه، هیچ مخالفی نداشته و در میان علمای اهل سنت نیز مخالف قابل توجهی وجود ندارد. همگان بر این عقیده هستند که دیه کامل تعیین شده در فقه جزایی اسلام برای نفس مرد است و دیه نفس زن نصف آن است. فقهای شیعه در این باره به روایات معتبری استناد کرده اند که برخی از آنان در بحث قصاص نفس مرد و زن در مقابل یکدیگر گذشت. در اینجا آن بخش از روایات که مستند این نظریه است، بیان می شود:

الف- در ذیل روایت صحیح حلبی از امام صادق (ع) آمده است: «... و ان قبلوا الدیه فلهم نصف دية الرجل»، اگر اولیای دم زن دیه را بپذیرند، برای آنان نصف دیه مرد است.

ب- در بخش پایانی روایت صحیح عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) آمده است: «... و ان شأوا واخذوا نصف الدية خمسة آلاف درهم»، اگر اولیای دم زن بخواهند، نصف دیه، (پنج هزار درهم) را می گیرند.

ج- در قسمت اخیر روایت معتبر عبدالله بن مسکان از امام صادق (ع) آمده است: «... و ان لم يفعلوا قبلوا الدية دية المرأة كاملة و دية المرأة نصف دية الرجل»، اگر قصاص نکردند، دیه کامل زن را می پذیرند و دیه زن نصف دیه مرد است.

۱- رک. الحلبي، ص ۳۹۱؛ شیخ مفید، ص ۷۳۹؛ الطوسی، مبسوط، ص ۱۴۸؛ الحلبي، شرایع الاسلام، ص ۲۵۲؛ الحلبي، قواعد الاحکام، ص ۶۶۸؛ العاملي، مسالک الافهام، ج ۱۵، ص ۳۲۲؛ النجفی، ج ۴۳، ص ۳۲؛ امام خمینی، ص ۵۰۳؛ الموسوی الخوئی، ص ۲۰۵ و ...

۲- رک. عبدالقادر عوده، ج ۲، ص ۱۸۲؛ الجزیری، ج ۵، صص ۳۲۶-۳۲۴.



دیه و قصاص؛ تکلیف حکومت و حق زنان

این روایت و روایات مشابه دیگر<sup>۱</sup> تصریح دارند که دیه نفس زن نصف دیه نفس مرد است. بر این بنیاد ماده ۳۰۰ ق.م.ا. اسلامی مقرر می‌دارد: «دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی، خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است».

۲- دیه عضو

فقهای شیعه<sup>۲</sup> درباره دیه عضو معتقدند که دیه عضو مرد و زن بایکدیگر برابر است تا آن گاه که دیه عضو مصدوم به ثلث دیه کامل برسد و در آن صورت دیه عضو زن به نصف دیه عضو مرد کاهش می‌یابد. مستند این نظریه روایاتی است که به چند مورد اشاره می‌شود:

الف- روایت معتبر ابان از امام صادق (ع): پرسیدم اگر مردی یک انگشت زن را قطع کند، دیه اش چه مقدار است؟ امام فرمود: ده شتر. گفتم اگر دو انگشت زن را قطع کند؟ فرمود بیست شتر. گفتم: اگر سه انگشت زن را قطع کند. فرمود سی شتر. گفتم: اگر چهار انگشت زن را قطع کند. فرمود: بیست شتر. گفتم: سبحان الله، سه انگشت زن را قطع می‌کند، سی شتر دیه می‌دهد، ولی چهار انگشت زن را قطع می‌کند، بیست شتر دیه می‌دهد! این سخن در عراق به گوش ما رسید، ما از گوینده آن دوری جستیم و می‌گفتیم: گوینده این سخن شیطان است. امام فرمود: ای ابان! آرام گیر، این حکم رسول خدا (ص) است: «ان المرأة تعاقل الرجل الى ثلث الدية، فاذا بلغت الثلث رجعت الى النصف، یا ابان انک اخذتني بالقياس والسنة اذا فیسست محق الدين»،<sup>۳</sup> همانا زن با مرد تا ثلث دیه برابر است، آن گاه که دیه اش به ثلث رسید، به نصف کاهش می‌یابد، ای ابان اتو قیاس کردی و اگر در سنت قیاس شود، دین نابود می‌شود.

ب- در روایتی معتبر سماعه می‌گوید: از جراحات زنان پرسیدم، فرمود: «الرجال والنساء فی الدية سواء حتی تبلغ الثلث فاذا جازت الثلث فاتها مثل نصف دية الرجل»،<sup>۴</sup> مردان و زنان در دیه مساوی هستند تا این که دیه به ثلث برسد، آن گاه که دیه از ثلث گذشت، دیه زن نصف دیه مرد است.

۱- رک. حر العاملی، صص ۸۶-۸۱، باب ۳۳، ح ۲۰، ۱۳، ۱۲، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴؛ همان، ص ۲۰۶، باب ۵، ح ۳.  
 ۲- رک. شیخ مفید، ص ۷۶۴؛ الطوسی، مبسوط، ص ۱۴۸؛ الحلی، شرایع الاسلام، ص ۲۸۹؛ الحلی، قواعد الاحکام، ۶۶۸؛ العاملی، مسالک الافهام، ج ۱۵، صص ۴۶۶-۴۶۵؛ النجفی، ج ۴۳، ص ۳۵۲، امام خمینی، ص ۵۳۷؛ موسوی الخوئی، صص ۳۱۷-۳۱۸ و...  
 ۳- حر العاملی، ص ۳۵۲، باب ۴۴، ح ۱.  
 ۴- همان، صص ۳۵۳-۳۵۲، ح ۲.

علاوه بر آنچه که بیان شد، روایات معتبر دیگری وجود دارد که نظریه برابری زن و مرد در دیه اعضا تا ثلث دیه کامل و تنصیف دیه زن در آن صورت را اثبات می کند. ماده ۳۰۱ ق.م.ا. در پیروی از این نظریه مقرر می دارد: «دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است».

### دلایل برابری زن و مرد در دیه و قصاص

آنچه درباره قصاص و دیه نفس و عضو زن و مرد بیان شد، مورد اتفاق فقهای شیعه است. البته در سال های اخیر برخی از فقها درباره برابری زن و مرد در قصاص و دیه نفس و عضو نظریه های ارائه نموده اند، در اینجا به بیان دلایل این نظریه و نقد و بررسی آن پرداخته می شود:

#### الف) - عدالت خداوند متعال

از آیات قرآن استفاده می شود که سخنان و احکام خدا حق و عادلانه است و نسبت به بندگان در تکوین و تشریح ظلم نکرده است.<sup>۱</sup> «و تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّکَ صِدْقًا وَعَدْلًا»،<sup>۲</sup> کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حد تمام رسید. «ان الحکم الا الله یقصد الحق و هو خیر الفاصلین»،<sup>۳</sup> حکم و فرمان تنها از آن خداست! حق را از باطل جدا می کند و او بهترین جدا کننده (حق از باطل) است. «و ما ربک بظلام للعبید»،<sup>۴</sup> پروردگارت هرگز به بندگان ستم نمی کند.

تفاوت بین زن و مرد در قصاص و دیه و الزام اولیای زن به پرداخت نصف دیه مرد هنگام قصاص مرد در برابر زن، بدون مشروط کردن قصاص زن در برابر مرد به چنین شرطی، از نظر عرف ظلم و مخالف حق و عدالت است و خداوند نه تنها چنین سخنی نمی گوید، بلکه این گونه حکم نمی کند. بنابراین زن و مرد در حقیقت انسانی و حقوق اجتماعی و اقتصادی از جمله قصاص و دیه با یکدیگر مساوی اند و روایاتی که بین آنها در قصاص و دیه تفاوت می گذارد، مخالف کتاب است و این گونه روایات را طبق اخبار رد<sup>۵</sup> باید کنار گذاشت.<sup>۶</sup>

۱- ر.ک. همان، صص ۱۶۵-۱۶۳، باب ۱، ح ۱-۴، ج ۶.

۲- صانعی، صص ۱۶۷-۱۶۶.

۳- انعام، ۱۱۵.

۴- انعام، ۵۷.

۵- فصلت، ۴۶.

۶- اخبار رد، روایاتی است که دستور می دهد روایات مخالف قرآن را کنار بگذارید و به آن عمل نکنید.

۷- صانعی، صص ۱۸۰ و ۱۶۷.

کبرای این استدلال صحیح است و شکی نیست که کلام و احکام الهی مطابق با حق و عدل است و خداوند متعال هر آنچه را که به جامعه زیبای حق و عدل آراسته گردید، بیان و حکم کرده است، لیکن اشکال در صغرای استدلال است. زیرا معلوم نیست که تفاوت بین زن و مرد در قصاص و دیه مصداق باطل و ظلم باشد، بلکه با توجه به نظام جامع حقوقی اسلام، این تفاوت عین حق و عدل ارزیابی می گردد. در خانواده و جامعه مطلوب اسلام، عمده فعالیت ها و وظایف اقتصادی خانواده و وظیفه مرد شمرده شده است. نقش اقتصادی مرد در خانواده و جامعه به گونه ای ترسیم شده که در صورت فقدان یا آسیب دیدن یک مرد، ضرر و زیان مادی زیادی به خانواده می رسد. در این نظام، فرزندان که پدر و همسری که شوهر خود را از دست داده اند، علاوه بر صدمه روحی و معنوی محرومیت از پدر و شوهر، پشتوانه مالی و مادی خود را در زندگی از دست داده اند، در حالی که از دست دادن مادر و همسر، تنها صدمه روحی برای فرزندان و شوهر به دنبال دارد. طبیعی است که در چنین نظامی دیه مرد بیش از دیه زن ارزیابی و تعیین گردد و این تفاوت، ایجاد نوعی توازن بین حقوق و وظایف مرد در نظام حقوقی اسلام بوده و عین حق و عدالت است.<sup>۱</sup> در این حال روایاتی که مستند نظریه اجماعی بین فقهای شیعه است، هیچ منافاتی با آیات مذکور نخواهد داشت.

علاوه بر این اگر حقوق زن و مرد جدا از سایر اجزای نظام حقوقی اسلام ارزیابی شود، باید هرگونه تفاوت بین زن و مرد را ناحق و مخالف عدل، بلکه مصداق ظلم دانسته شود، حتی تفاوت هایی که در قرآن کریم به آن تصریح شده است، مانند ارث زن و مرد و در این حال باید پذیرفت که کلام خداوند در درون خود دچار تناقض است، زیرا از یک سو می گوید کلام خدا حق و عدل است و از دیگر سو، به ناحق و برخلاف عدالت بین زن و مرد در ارث تفاوت می گذارد. پس برآیند نظام حقوقی اسلام باید مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد که در این صورت معلوم می شود بین حقوق و وظایف زن و مرد تساوی برقرار است. نتیجه این که هر نوع تفاوتی

۱- رک. الحسینی الحائری، صص ۷۶-۷۷؛ خامنه ای، ص ۹۹؛ حسین فضل الله، صص ۱۱۵-۱۱۴؛ السباعی، صص ۲۳-۲۲.

را نباید جداگانه و بریده از سایر بخش های نظام حقوقی اسلام ارزیابی کرد و ناحق و مصداق ظلم شمرد.

**ب) - برابری همه انسان ها با یکدیگر**

طبق آیات و روایات انسان ها اعم از زن و مرد، بزرگ و کوچک، سفید و سیاه و عرب و غیر عرب با هم در حقیقت انسانی برابرند و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند.

«یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بثّ منهما رجلاً کثیراً و نساءً»<sup>۱</sup>، ای مردم از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید. همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسروی را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. عموم کلمه «اتقوا» در آیه به جهت حذف متعلق، ظهور در خودداری از هر نوع ستم در سیاست، اقتصاد، شخصیت اجتماعی و قانون گذاری دارد. پس مردم باید از قوانینی که به نظر عرف و عقلا ظالمانه است دوری گزینند و در این صورت خداوند سزاوارتر است که در تشریح از اجحاف بپرهیزد و در حقوق انسانی و اجتماعی بین انسان ها تبعیض قائل نشود. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «الناس سواء کأسنان المشط»<sup>۲</sup>، مردم بسان دندانه های شانه با یکدیگر برابرند. با وجود این قبیل آیات و روایات - که در قرآن و منابع روایی فراوان است - شکی باقی نمی ماند که تفاوت بین زن و مرد در قصاص و دیه از نظر کتاب و سنت ظلم و مردود است، از این رو اخبار مدعی تفاوت بین زن و مرد را باید کنار گذاشت.<sup>۳</sup> بنابراین تساوی و عدالت در تمامی حقوق بین افراد بشر از جمله زن و مرد لازم است، اما تساوی در حقوق غیر از تشابه در آن است و تشابه در حقوق هیچ توجیه عقلی و شرعی ندارد. آنچه که از نظر عقل و شرع ضرورت دارد، عدل و عدم ظلم در حقوق است، خواه حقوق مشابه یا نامشابه باشد. پس اگر چه مطابق تصریح قرآن ارث انسان مذکر و مؤنث مشابه نیست، لیکن عادلانه و مساوی است و ظلمی در آن نیست. زیرا اداره امور اقتصادی خانواده در حقوق اسلام به عهده مرد است.<sup>۴</sup>

۱- نساء، ۱.

۲- مجلسی، ج ۷۵، ص ۲۵۱.

۳- صائمی، صص ۱۶۹-۱۶۷؛ رک، عبادی، ش ۲۲، ص ۲۴؛ موحد شریعت پنهانی، ش ۱۹، صص ۵۲-۵۳.

۴- صائمی، ص ۱۶۸.

نقد و بررسی

به این استدلال نیز اشکالاتی وارد است. اولاً: پیام آیه «خلقکم من نفس واحده» این است که انسان‌ها اعم از زن و مرد از یک نفس آفریده شده‌اند و دلیلی موجود نیست که بتوان خلقت زن و مرد از یک نفس را به معنای تشابه حقوق زن و مرد و برابری حقوق آنها در هر مورد جزئی دانست. همچنین نمی‌توان تشابه و برابری را در هر مورد جزئی به قصاص و دیه اختصاص دهد، بلکه باید آن را به تمامی ابعاد وجودی زن و مرد تسری داد؛ لیکن واضح است که هیچ کس حاضر به پذیرش این سخن و نتیجه آن نیست. زیرا با توجه به وجود ده‌ها بلکه صدها مورد تفاوت فیزیکی و روحی بین زن و مرد، مشکل تخصیص اکثر پیش می‌آید که از نظر علم اصول مستهجن و قبیح و از ساحت سخنوری حکیم به دور است. پس روایاتی که قصاص مرد در برابر زن را مشروط به پرداخت نصف دیه مرد می‌کند و دیه زن را نصف دیه مرد بیان می‌نماید؛ هیچ گونه تعارضی با این قبیل آیات ندارد.<sup>۱</sup>

ثانیاً: این که آیات تساوی حقوق زن و مرد به این معناست که در هر مورد جزئی حقوق و وظایف زن و مرد یکسان و مانند یکدیگر است یا این که در مجموع، حقوق و وظایف تعیین شده برای زن و مرد در نظام حقوقی اسلام مساوی است؛ مسلماً صورت دوم مورد نظر می‌باشد، همچنان که کسی که به دیه و قصاص این اشکال را وارد کرده است در مورد ارث آن را پذیرفته است. لذا اگر در هر مورد جزئی برابری و مثلثیت شرط است، پس در ارث نیز باید چنین باشد و در غیر این صورت، همان توجیهی که برای تفاوت زن و مرد در ارث وجود دارد، عیناً درباره تفاوت زن و مرد در قصاص و دیه وجود دارد.

شهید مطهری در این باره می‌نویسد: لازمه اشتراک زن و مرد در انسانیت و خلق شدن از نفس واحد، برابری در حقوق و وظایف است، نه تشابه در هر مورد جزئی اسلام حقوق مشابهی برای زن و مرد وضع نکرده است، ولی هرگز امتیاز حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نشده است و اصل مساوات را درباره زن و مرد رعایت کرده است. پس همچنان که برای زن و مرد حقوق

۱- ظهیری، ش، ۱۷۲، ۱۷۱، صص ۵۰-۴۹.

مشابه در نظر نگرفته است، تکالیف و مجازات های مشابهی نیز قرار نداده است. اما در مجموع، حقوقی که برای زن قرار داده ارزش کمتری از آنچه که برای مرد قرار داده، ندارد. بنابراین ملاک ارزیابی مجموع حقوق و وظایف زن و مرد در نظام حقوقی اسلام، می باشد که تساوی برقرار است و نمی توان هر مورد جزئی را به تنهایی ارزیابی و حکم به برابری یا نابرابری نمود. لذا صحیح نیست که قانون قصاص و دیه زن و مرد منفرک از سایر اجزای نظام حقوقی اسلام ارزیابی شود و تفاوت بین زن و مرد در آن مخالف برابری حقوق زن و مرد و ظلم به زن قلمداد گردد و روایات بیان کننده این تفاوت را مخالف کتاب شمرده و کنار گذاشته شود. به بیان دیگر، کبرای این استدلال که همان عدالت خداوند متعال است صحیح بوده، لیکن صغرای آن مخدوش می باشد، لذا روایات مذکور مخالف قرآن نیست.

### ج- صراحت آیات قصاص

خداوند در قرآن کریم حکم قصاص بین زن و مرد را بیان فرمود: «و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس والعین بالعين والانیف بالانیف والأذن بالأذن والسن بالسن والجروح قصاص»،<sup>۱</sup> بر آنها [بنی اسرائیل] در آن [تورات] مقرر داشتیم که جان در مقابل جان و چشم در مقابل چشم و بینی در مقابل بینی و گوش در مقابل گوش و دندان در مقابل دندان می باشد و هر زخمی قصاص دارد. مطابق این آیه حکم قتل، قصاص نفس در مقابل نفس است و دلالت بر قصاص مرد در برابر زن با پرداخت نصف دیه مرد نمی کند؛ زیرا در این صورت قصاص نفس به نفس نیست بلکه قصاص نفس به نفس با نصف دیه است. در این حال روایاتی که قصاص مرد در برابر زن را مشروط به پرداخت نصف دیه مرد از سوی اولیای زن می کند، مخالف آیه مذکور است و طبق دستور اخبار رد، روایات مخالف قرآن را باید طرد کرد و از ترتیب اثر دادن به آن خودداری ورزید.<sup>۲</sup>

### نقد و بررسی

اگر چه در بدو امر امکان دارد بین آیه ۴۵ سوره مائده و روایات بیان کننده تفاوت بین زن و

۱- مطهری، صص ۲۶-۲۴. ۲- مائده، ۴۵.

۳- صانعی، ص ۱۷۰؛ رک. مهرپور، صص ۲۴۹-۲۴۰؛ موحد شریعت پناهی، صص ۵۴-۵۳.

مرد در قصاص و دیه، تعارض به ذهن تداعی کند، لیکن با اندکی تأمل در اصل اطلاق و تقييد معلوم می‌شود، روایاتی که قصاص مرد در برابر زن را به پرداخت نصف دیه مرد مشروط می‌کند، مخالف و معارض آیه مذکور نیست. زیرا تخالف و تعارض از سه قسم تباین، عموم و خصوص من وجه و عموم و خصوص مطلق تشکیل شده است. گستره پیام اخبار رد روایات مخالف قرآن، شامل قسم اول و دوم (که تعارض مستقر دارند) می‌شود و قسم سوم را (که تعارض بدوی دارد) شامل نمی‌شود. زیرا عرف عقلا تعارض واقعی بین دلیل مطلق و مقید نمی‌بیند، بلکه دلیل مقید را قرینه و مفسر دلیل مطلق می‌شمارد. بر فرض که عنوان مخالفت با کتاب از نظر مراد استعمالی نسبت به عموم و خصوص مطلق نیز فراگیر باشد، لیکن با توجه به قرینه موجود باید اخبار رد را در مقام کشف از مراد جدی تنها بر مخالفت تباینی و عموم و خصوص من وجه حمل شود. قرینه این است که همان معصومانی که اخبار رد را بیان فرمودند، به ضرورت فقه در صدها مورد عموم و اطلاق آیات قرآنی را تخصیص و تقييد زده‌اند. بدین سان معلوم می‌شود روایاتی که قصاص مرد در برابر زن را مشروط به پرداخت نصف دیه مرد می‌کند، تعارضی با آیه ۴۵ سوره مائده ندارد و تنها اطلاق آن را مقید می‌نماید.<sup>۱</sup>

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

#### د- حیات بودن قصاص

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و لکم فی القصاص حیوة یا اولی الاباب لعلکم تتقون»،<sup>۲</sup> برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد شاید شما تقوا پیشه کنید. قصاص عبارت از ردّ به مثل است، ردّ به مثل در کشتن زن توسط مرد و کشتن مرد بدون دادن چیزی به بستگانش می‌باشد. پس دادن نصف دیه مرد از سوی اولیای زن، زاید بر مقابله و خارج از قصاص قاتل در مقابل مقتول است و این ظلم بر زن مقتول می‌باشد؛ در این صورت، زن از عموم حکم قصاص (که موجب حیات است) مستثنا می‌باشد. پس کشتن مرد در مقابل کشتن زن موجب حیات نمی‌شود، در حالی که قرآن به طور کلی می‌فرماید: قصاص موجب حیات است و فرقی بین قصاص مرد در مقابل زن و مرد و قصاص زن در مقابل مرد و زن نمی‌گذارد.<sup>۳</sup>

۱- ظهیری، صص ۵۲-۵۱.

۲- بقره، ۱۷۹.

۳- صناعی، ص ۱۷۵؛ رک. انصاری راد، روزنامه زن، ۱۳۷۷/۱، ص ۹.

نقد و بررسی

با دقت در آیه ۱۷۸ سوره بقره معلوم می شود که آنچه که در قصاص موجب حیات می شود؛ اصل تشریح قصاص است و لزوماً شامل اجرای آن نمی شود. زیرا خداوند در این آیه پس از تشریح قصاص می فرماید: «پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود (و حکم قصاص او، به دیه تبدیل گردد) باید از راه پسندیده پیروی کند و او به نیکی دیه را بپردازد». در این آیه با ظرافت تمام قاتل و اولیای مقتول برادر دینی یکدیگر معرفی شده اند تا انگیزه عفو قاتل و تبدیل قصاص به دیه را در اولیای مقتول ایجاد کند و آنان به این امر ترغیب و تشویق شوند. پس آنچه که سبب حیات می شود اصل ایجاد قانون قصاص است که در قصاص مرد در برابر زن نیز وجود دارد. علاوه بر این که شارع مقدس در تشریح خود پیامدهای قوانین را در نظر دارد و آن را مطابق مصالح و مفاسد وضع کرده است، از این رو نمی خواهد با وضع قانونی مانند قصاص برای ایجاد امنیت جانی افراد جامعه، اجرای آن آسیب های اجتماعی غیر قابل جبرانی را به دنبال داشته باشد و خانواده مردی که قصاص می شود، دچار بحران گردد و اجتماع از این ناحیه با آسیب های فراوان دیگر دست به گریبان شود. هر چند از برخی پیامدها گریزی نیست، ولی باید به مقدار ممکن از آن جلوگیری کرد.

۱۴۸

هـ- ابا داشتن اطلاق آیات قصاص از تقیید

لسان اطلاق آیات مذکور از تقیید و استثناء ابا دارد، لذا نمی توان روایاتی را که بین زن و مرد در قصاص و دیه تفاوت می گذارد، مخصص و مقیّد عموم و اطلاق آیات دانست، پس این روایات مابین آیات مذکور است و باید کنار گذاشته شود. صحیح نیست گفته شود: خداوند نسبت به بندگان ستم نمی کند مگر در قصاص مرد در برابر زن؛ این تقیید به معنای ستمکار بودن خداوند در این حکم است که از شأن او به دور است.<sup>۱</sup>



نقد و بررسی

با توجه به نقد و بررسی استدلال‌های گذشته معلوم می‌شود، اولاً: تفاوت بین زن و مرد در قصاص و دیه در مجموعه نظام حقوقی اسلام، ستم و ناعادلانه نیست تا بخواهد اطلاق آیات بیان‌کننده عدل و حق بودن کلام و احکام الهی و تساوی بین افراد بشر را مقید کند، بلکه عین حق و عدل است. ثانیاً: ابا داشتن اطلاق آیه «ان النفس بالنفس» از تعیید، صرف ادعاست و آنچه که به عنوان دلیل ذکر شد مربوط به آیات دیگر بود که پاسخ آن داده شد.

(و) - روایات مخالف با روایات مشهور

در مقابل روایاتی که مستند نظریه اجماعی فقهای است، روایات مخالف وجود دارد:

- روایت صحیح ابی مریم از امام باقر (ع) که درباره زنی که مردی را کشته بود، فرمود: «تقتل و یودی ولیها بقية المال»،<sup>۱</sup> کشته می‌شود و ولی او بقیه مال (دیه) را می‌پردازد.
- روایت موثق سکونی از امام صادق (ع) «ان امیر المؤمنین (ع) قتل رجلاً بامرأة قتلها عمداً و قتل امرأة قتلت رجلاً عمداً»،<sup>۲</sup> همانا امیر مؤمنان (ع) مردی را که زنی را به عمد کشته بود، کشت و زنی را که مردی را به عمد کشته بود، کشت.
- روایت اسحاق بن عمار از امام صادق (ع): «ان رجلاً قتل امرأة فلم يجعل علی (ع) بینهما قصاصاً و الزمه الدية»،<sup>۳</sup> مردی زنی را کشت و علی (ع) بین آنها به قصاص حکم نکرد و مرد را به پرداخت دیه الزام کرد.

اگرچه مضمون این سه روایت متفاوت است، لیکن در مخالفت با روایات مستند نظریه فقهای شیعه در قصاص و دیه زن و مرد، متفق است. مضافاً به این که در تعارض روایت سکونی با این روایات، ترجیح با روایت سکونی است، زیرا موافق آیات قرآن است.<sup>۴</sup>

نقد و بررسی

اولاً: روایت اول و سوم اگرچه مخالف روایات مشهور این باب است، ولی موافق روایت دوم

۱- حرالعالمی، ص ۸۵، باب ۳۳، ح ۱۷.

۲- همان، صص ۸۵-۸۴، ح ۱۶.

۳- همان، صص ۱۹۰-۱۸۹.

نیز نیست؛ پس به عنوان جواب نقضی می توان مدعی شد که این دو روایت در مخالفت با روایت سکونی، همراه روایات مشهور است.

ثانیاً: روایت ابی مریم، شاذ و مخالف آیه «ان النفس بالنفس» است و فقها به آن عمل نکرده اند و روایت سکونی مطلق و قابل جمع با روایات مشهور است و روایت اسحاق بن عمار نیز در صورت امکان به قرینه روایات مشهور بر عدم قصاص بدون رد نصف دیه مرد حمل می شود و گرنه به دلیل مخالفت با روایات مشهور کنار گذاشته می شود.<sup>۱</sup> علاوه بر این که با توجه به مباحث گذشته، روایات مشهور مخالف کتاب نیست تا روایت سکونی به دلیل موافقت با کتاب بر روایات مشهور ترجیح داده شود.

### ز)- ضعف اجماع

اجماعی که فقهای از جمله صاحب جواهر و صاحب ریاض ادا کرده اند، با توجه به عبارت محقق اردبیلی سست و قابل نقض است؛ زیرا وی در مقام استدلال بر مسأله قصاص مرد در برابر زن با پرداخت نصف دیه مرد می نویسد: «فکانه اجماع او نص ما اطلعت علیه» و در موردی دیگر درباره دیه زن گفته است: «کأن دلیله الاجماع وال اخبار» که بیانگر عدم جزم وی به حکم معروف در این مسأله به دلیل عدم جزم به اخبار و اجماع است.<sup>۲</sup>

### نقد و بررسی

اولاً: محقق اردبیلی نیز با دیگر فقهای شیعه در این مسأله اتحاد نظر دارد و به روایات حلبی، عبدالله بن مسکان و عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) که بیان شد، استناد نموده و به نصف بودن دیه نفس زن نسبت به دیه نفس مرد نظر داده و بر این باور است، که قصاص مرد در برابر زن مشروط به پرداخت نصف دیه مرد بوده و مدعی است نظریه ای مخالف با نظریه مشهور نقل نشده است.<sup>۳</sup> ثانیاً: عباراتی که از ایشان نقل شده است، عبارت اول در مسأله مورد بحث نیست، بلکه مربوط به دیه طفلی است که یکی از والدینش مسلمان باشد یا قبل از بلوغ او مسلمان شود.<sup>۴</sup>

۱- صانعی، صص ۱۹۳-۱۹۲.

۲- همان، ص ۳۱۳.

۱- رک. موسوی الخوئی، صص ۳۶-۳۵.

۲- رک. مقدس اردبیلی، ج ۱۴، صص ۴۸-۴۷.

عبارت دوم نیز بیانگر تردید در حکم مسأله نیست، همان طوری که خودش تردید نکرده است و دیگران نیز چنین برداشتی نداشته اند.

ثالثاً؛ برای پی بردن به اجماعی بودن یا نبودن حکم این مسأله در بین فقهای، لزومی ندارد که به این گونه عبارات تمسک شود، بلکه می توان با اندکی تحقیق و تأمل در متون فقهی به پاسخ این پرسش رسید. بنابراین از آیات و روایات که مورد اتفاق فقهای شیعه است، نتایج ذیل به دست می آید:

۱- نفس زن و مرد در مقابل یکدیگر قصاص می شود، لیکن قصاص نفس مرد در مقابل زن مشروط به پرداخت نصف دیه مرد از سوی اولیای زن است.

۲- دیه نفس زن نصف دیه مرد است.

۳- زن و مرد در قصاص عضو تا رسیدن دیه عضو به ثلث دیه کامل یا یکدیگر برابر هستند و پس از رسیدن به آن قصاص عضو مرد در برابر عضو زن مشروط به پرداخت نصف دیه عضو مرد است.

۴- زن و مرد در دیه عضو برابر هستند تا این که دیه عضو به ثلث دیه کامل برسد، در آن صورت دیه عضو زن به نصف دیه عضو مرد کاهش می یابد.

### نقش زمان و مکان در قصاص و دیه

در این مرحله پاسخ گویی به چند سؤال ضروری است؛ آیا زمان و مکان در قصاص و دیه زن و مرد نقشی دارد؟ آیا قانون قصاص و دیه زن و مرد، مستلزم تبعیض بین انسان ها به لحاظ جنسیت آنها است؟ آیا رابطه ای بین قانون قصاص و دیه زن و مرد و خشونت بر ضد زنان وجود دارد؟ و نقش زمان و مکان در قصاص و دیه زن و مرد چیست؟

برخی بر این باورند که دیه از احکام امضایی اسلام و متأثر از اوضاع و احوال خاص زمان و مکان ظهور اسلام است، قصاص مرد در برابر زن اگرچه به صورت مشروط و تعیین نصف دیه مرد برای زن در شرایط اجتماعی و اقتصادی آن روز شبه جزیره عربستان. که زن را ننگ می دانستند. حرکت و تحولی بزرگ بود؛ لیکن امروزه نوع تفکر و نگرش به زن تغییر یافته و جایگاه

اقتصادی و اجتماعی زن متحول شده است. از این رو منافاتی ندارد که همگام تغییرها و تحولات درخواست و ارادهٔ مردم و مطابق با اوضاع و احوال و مقتضیات زمان و مکان در قصاص مرد در برابر زن و میزان دیهٔ زن تجدید نظر شود.<sup>۱</sup>

باید توجه داشت که هر چند قانون قصاص و دیه پیش از اسلام وجود داشت و اسلام آن را امضا نمود، ولی نکته مهم در شیوه برخورد اسلام با این نوع مقررات است. اسلام فقط آن دسته از قوانینی را که از مبنای عقلایی و قابلیت بقا بهره مند بود و می توانست با اصلاحاتی در تسهیل و سامان دادن امور اجتماعی مردم نقش موثر داشته باشد، پذیرفت. قصاص و دیه از این قبیل مقررات است؛ یعنی به دلیل برخورداری از مبنای عقلایی و داشتن قابلیت بقا و نقش تسهیل کننده و سامان دهنده در امور اجتماعی مردم پذیرفته و امضا شد، اگر چه اصلاحات و تغییراتی در آن ایجاد گردید. از این رو هیچ ملازمه ای بین امضایی بودن یک حکم و عدم ثبات و دوام آن وجود ندارد، بلکه حکم مورد امضا مانند احکام تأسیسی مشمول حدیث «حلال دین محمد تا روز قیامت حلال و حرام آن تا روز قیامت حرام است»،<sup>۲</sup> می باشد و گرنه هیچ گاه چنین حکمی به طور مطلق امضا نمی شد.

علاوه بر مطالب فوق بسیاری از مقررات اجتماعی اسلام جنبهٔ امضایی دارد و اگر خواستار تغییر احکام امضایی اسلام طبق مقتضیات زمان و مکان شویم، تنها بخش محدودی از احکام عبادی، معاملی و قضایی اسلام به قوت خود باقی خواهد ماند که با حدیث مذکور و عقیده اندیشمندان اسلامی ناسازگار است.<sup>۳</sup>

نکته قابل توجه در این باره این است که مقررات قصاص و دیهٔ زن و مرد در نظام حقوق اسلامی با دیگر مقررات موجود در این نظام ارتباط و وثیق دارد و مانند تکه های یک پازل یکدیگر را کامل می کنند و تغییر برخی از این مقررات موجب ناهماهنگی در این نظام حقوقی می شود. زیرا در نظام حقوقی اسلام مسئولیت اقتصادی خانواده به عهده مرد است و مشروط نمودن

۱- رک. مهرپور، صص ۲۸۱-۲۷۹؛ بجنوردی، روزنامهٔ زن، مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۶، ص ۱۹؛ سعیدزاده، مجلهٔ زنان، ش ۳۷، صص ۳۸-۳۷.

۲- شفیعی سروستانی، صص ۱۵۲-۱۵۰.

۳- حرالعالمی، ج ۲۷، ص ۱۶۹، باب ۱۲، ح ۵۲.

قصاص مرد در برابر زن به پرداخت نصف دیه مرد یا تعیین دیه زن به میزان نصف دیه مرد در ارتباط کامل با این مسأله است. از این رو، تأثیر زمان و مکان در این حکم و تغییر آن، مستلزم تغییر و تحول در سایر حقوق و وظایف زن و مرد است؛ از جمله این که زن نیز بسان مرد موظف به کارگردان برای تأمین هزینه زندگی مشترک باشد، زن در هنگام ازدواج مهریه نگیرد و... این تغییر و تحول را اکثریت قریب به اتفاق زنان مسلمان نمی پسندند و شارع مقدس نیز آن را نمی پذیرد. زیرا تکالیف سنگینی بر زن تحمیل می شود و این با دیدگاه اسلام نسبت به خانواده و جامعه ناسازگار است. اسلام منع نمی کند که اگر زنی توان و تمایل داشت در فعالیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شرکت کند، یا در تأمین هزینه زندگی مشترک به شوهرش یاری رساند، لیکن این را بر او واجب نمی نماید تا مبادا به نظام خانوادگی و اجتماعی خللی وارد شود. البته اگر زنی از توانایی خاصی برخوردار باشد که جامعه به آن نیاز داشته، بر وی لازم و در بعضی موارد واجب عینی یا واجب کفائی است که نیاز جامعه را بر طرف نماید. ولی در این صورت نیز موظف به هزینه کردن در آمد خود در خانواده نیست. اسلام نمی خواهد زن را مکلف به این کار نماید تا در صورت عدم نیاز فرد، خانواده یا جامعه، زن موظف به کار برای تأمین هزینه زندگی مشترک باشد یا در صورت نیاز، علی رغم این که مشارکت در تأمین هزینه برای او مشقت فراوان دارد، به آن تن در دهد. بر این بنیاد، حکم قصاص و دیه زن و مرد در اثر تغییر دیدگاه ها، حضور پررنگ زنان در عرصه های مختلف اجتماعی و مشارکت داوطلبانه آنان در تأمین هزینه زندگی مشترک تغییر نمی پذیرد.

### قانون و زنان سرپرست خانوار

به نظر می رسد اگر تفاوت بین زن و مرد در قصاص و دیه به دلیل مسؤلیت فرد در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده و سرپرستی آن است، باید درباره زنان شاغلی که در آمد خود را در اداره زندگی مشترک هزینه می کنند، به ویژه زنانی که سرپرستی خانواده را عهده دار هستند، تجدید نظر نمود و بین این قسم از زنان و مردان در قصاص و دیه برابری ایجاد شود. زیرا با از دست رفتن این نوع زنان اقتصاد خانواده آسیب می بیند و اداره امور زندگی آنان دچار اختلال، بلکه بحران می شود.

آری وضعیت جامعه کنونی چنین است، لیکن نباید فراموش کرد که در هر صورت از نظر قوانین و مقررات حقوقی اسلام، زن وظیفه‌ای در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده ندارد و می‌تواند درآمد فعالیت‌های خود را صرف امور شخصی خود یا پس انداز نماید و در سرپرستی خانواده نیز وظیفه‌ای ندارد و اگر در اداره امور اقتصادی خانواده مشارکت می‌کند یا سرپرستی خانواده را به عهده می‌گیرد، عملی پرمشقت است که از روی فداکاری، احسان و تبرع انجام می‌دهد و اسلام نمی‌پسندد که زنان را موظف به آن نماید. علاوه بر آن که مطابق عرف عقلا، قوانین و مقررات ناظر به جنبه غالبی امور بوده و شامل موارد استثناء نمی‌شود.

پرسشی که به ذهن تبادر می‌کند این است که واقعیت اجتماعی را چه باید کرد؟ آیا زمانی که زنی سرپرست خانواده توسط مردی به طوری فجیع کشته می‌شود و احساسات عمومی شدیداً جریحه دار می‌گردد و خانواده مقتول نیز توانایی پرداخت نصف دیه قاتل را ندارد، راه چاره کدام است؟

فقها بر این نکته متفق اند که بیت المال معدبیرای مصالح مسلمانان است<sup>۱</sup> و مواردی چون اداره امور خانواده‌های بی سرپرست یا خانواده‌هایی که سرپرست آنها از کار افتاده است یا پرداخت فاضل دیه برای قصاص مرد در برابر زن در وضعیت مذکور، از مصالح مسلمانان و جامعه اسلامی به شمار می‌رود. چرا که در غیر این صورت نظم و امنیت جامعه اسلامی مختل می‌گردد و نظام اسلامی ناکارآمد جلوه می‌کند. از این رو حکومت اسلامی در این گونه موارد وظیفه دارد با اختیارات خود مشکل را از پیش روی جامعه بردارد و از بیت المال برای اداره امور خانواده‌های بی سرپرست یا دارای سرپرست از کار افتاده و مواردی از این قبیل هزینه کند تا زن مجبور به تحمل مشقت تأمین هزینه زندگی خانوادگی نشود یا با پرداخت فاضل دیه از بیت المال، زمینه اجرای قصاص مرد قاتل را فراهم سازد تا احساسات عمومی، به ویژه خانواده مقتول التیام و تسکین یابد و احیاناً جلوی سوء استفاده از این حکم شرعی گرفته شود و نظم و امنیت به جامعه باز گردد.<sup>۲</sup> چنان که تنی چند از فقیهان معاصر<sup>۳</sup> فتواداده اند که در صورت اقتضای

۱- رک. محقق کرکی، ج ۵، صص ۲۴۰-۲۳۹؛ محقق اردبیلی، ج ۱۴، ص ۱۸۷؛ محقق خونی، مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۷۳۸ و....

۲- رک. مرعشی، صص ۵۳-۵۰.

۳- رک. آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله مکارم شیرازی، سؤال ۵۹ و آیت الله موسوی اردبیلی و نوری همدانی، سؤال ۳.

مصلحت حکومت می تواند فاضل دیه زن را از بیت المال بپردازد تا زمینه قصاص مرد قاتل در برابر زن مقتول فراهم گردد.

### قصاص، دیه و تبعیض بر علیه زنان

برخی عقیده دارند که مشروط کردن قصاص مرد در برابر زن به پرداخت نصف دیه مرد و تعیین دیه زن به میزان نصف دیه مرد به معنای تبعیض بین انسان ها در قانون قصاص و دیه به لحاظ جنسیت بوده و بیان گر نقص و ارزش زن نسبت به مرد از دیدگاه حقوق جزایی اسلام است و این نوع نگرش و قوانین مخالف نگاه مترقیانه به زن، حقوق بشر و مقررات بین المللی است.<sup>۱</sup> به این اعتقاد می توان چند پاسخ داد:

اولاً؛ با وجود آیات صریح و متعدد در قرآن کریم درباره ارزش و احترام انسان اعم زن و مرد دیگر نمی توان دیدگاه اسلام درباره ارزش زن و مرد را در مقررات قصاص و دیه جستجو کرد. زیرا طبق آیات،<sup>۲</sup> زن و مرد از یک نفس و جنس خلق شده اند؛ همچنین برابر آیاتی<sup>۳</sup> که برای جان و حیات زن و مرد احترام قائل شده و از تعرض به ناحق آن شدیداً منع کرده و کشتن یک زن یا مرد را به مثابه کشتن همه انسان ها دانسته، زن و مرد ارزش و احترام یکسانی دارند و در حق حیات و احترام جان بایکدیگر مساوی قرار داده است.<sup>۴</sup>

ثانیاً؛ انسان در نگاه اسلام از دو بُعد مادی و معنوی برخوردار است و اصالت با بعد معنوی و روحانی و هدف نیز تکامل همین بعد است. مطابق آیات و روایات در این بخش هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و راه رسیدن به کمال به روی همه باز است،<sup>۵</sup> اما آنجا که در این راه برخی از زنان کمال یافته، الگوی همه زنان و مردان معرفی شده اند.<sup>۶</sup> هر چند که در بعد مادی و جسمانی تفاوت هایی بین زن و مرد وجود دارد که برخی تفاوت و ظایف و حقوق را موجب شده است.<sup>۷</sup> ثالثاً؛ تفاوت بین زن و مرد در قصاص و دیه را نباید به معنای ارزش کمتر جان و حق حیات

۱- ر.ک. مهرانگیز کار، رفع تبعیض از زنان، صص ۸۰-۷۹؛ عبادی، ص ۲۴.

۲- نساء، ۱؛ اعراف، ۱۸۹؛ حجرات، ۱۳.

۳- مائده، ۳۲؛ انعام، ۱۵۱؛ اسراء، ۳۳.

۴- احزاب، ۳۵.

۵- مطهری، ص ۲۸.

۶- تحریم، ۱۱.

۷- ر.ک. جوادی آملی، صص ۲۳۶-۲۳۵.

زن نسبت به مرد تلقی نمود، زیرا اگر این گونه بود، اصل قصاص مرد در برابر زن تجویز نمی شد، در حالی که در اصل قصاص و دیه با یکدیگر مشترکند و تفاوت در برخی جزئیات و شروط است.<sup>۱</sup>

رابعاً: این اشکال از تجزیه نظام حقوقی اسلام ناشی شده است. در مجموعه مقررات و قوانین اسلامی، شخصیت و حرمت زن امری خدشه ناپذیر است و در شئون و حقوق انسانی با مرد یکسان است و چون از جهت و ظایف ناشی از فطرت و طبیعت از یکدیگر تفکیک شده اند، در برخی از حقوق نیز مشابه هم نیستند.<sup>۲</sup>

خامساً: به جهت نقش بی بدیل خانواده در تربیت و آموزش فرد و ایجاد جامعه ای مطلوب از نظر اسلام، و ظایف زن و مرد مطابق مقتضای فطرت آنان دقیقاً مشخص شده است و عمده فعالیت اقتصادی به عهده مرد می باشد، از این رو مرد در چنین سیستمی نقش اساسی در اقتصاد خانواده دارد و فقدان وی خسارت مادی سنگین تری را برای خانواده به دنبال دارد.<sup>۳</sup>

نتیجه این که تفاوت بین زن و مرد در قصاص و دیه، جنبه مادی دارد و ناظر به بعد جسمانی انسان و وظایف و نقش اقتصادی آنها در امور خانواده است و ارزش انسان به بعد معنوی اوست. بنابراین تفاوت مذکور به معنای نقص ارزش جان و حق حیات زن نسبت به مرد نیست.

### قصاص، دیه و خشونت علیه زنان

بعضی می اندیشند که مشروط کردن قصاص نفس مرد در برابر نفس زن به پرداخت نصف دیه مرد، مجوز و مروج خشونت علیه زنان است و قانون گذار با تصویب ماده ۲۰۹ ق.م.ا، عملاً خشونت علیه زنان را مورد حمایت و تشویق قرار داده است، بلکه با مشروط کردن قصاص عضو مرد در برابر عضو زن به پرداخت نصف دیه عضو مرد در آنجایی که دیه عضو مرد به ثلث دیه کامل برسد (ماده ۲۷۳ ق.م.ا)، در صدد القای این معناست که هر اندازه زن شدیدتر مورد ضرب و جرح مرد قرار گیرد، ضارب بیشتر مورد حمایت قانونی قرار می گیرد، زیرا در بسیاری از موارد امکان

۱- حسینی الحائری، صص ۷۷-۷۶.

۲- خامنه ای، صص ۹۹-۹۸.

۳- ر.ک. حسینی الحائری، صص ۷۷-۷۶؛ خامنه ای، ص ۹۹؛ فضل الله، صص ۱۱۵-۱۱۴.



## دیه و قصاص؛ تکلیف حکومت و حق زنان

پرداخت فاضل دیه، نفس و عضو وجود ندارد و قصاص امکان تحقق پیدا نمی کند و تعرض به تمامیت جسمانی زن بدون مجازات باقی می ماند و عملاً زن از حمایت قانون در مقابل متعرضان به تمامیت جسمانی اش محروم می ماند. لیکن این اندیشه به چند دلیل ذیل ناصواب است:

اولاً: از آنجا که این طیف منتقدان نوعاً مجازات قصاص را بازدارنده نمی دانند و آن را از مجازات های خشن و مخالف حقوق بشر محسوب می کنند، باید از چنین شرطی در قصاص اظهار رضایت نمایند، چون این شرط مطابق نظر منتقدان در موارد عدم توانایی پرداخت فاضل دیه، موجب عدم اجرای قصاص می شود. هرچند این شرط فقط در قصاص مرد در برابر زن است و در عکس آن نیست، ولی در همین محدوده هدف آنان تأمین می شود.

ثانیاً: اصل قصاص و دیه در تعرض به تمامیت جسمانی زن تجویز شده است و اگر مجازات قصاص بازدارنده است - که چنین است - این اثر مربوط به اصل قصاص می باشد - چنانکه گذشت - و آنچه که فرد در اندیشه ارتکاب جرم بر ضد تمامیت جسمانی افراد را از ارتکاب آن باز می دارد دغدغه مجازات قصاص است که در اصل تجویز قصاص مرد در برابر زن وجود دارد. ثالثاً: عدم برابری قصاص و دیه عضوزن و مرد در جایی که دیه عضو به ثلث دیه کامل برسد به معنای این نیست که اگر مردی مثلاً سه انگشت زنی را قطع کرد، بخواهد یک انگشت دیگر او را قطع کند تا به ثلث دیه کامل برسد و قصاص آن مشروط به پرداخت دیه دو انگشت گردد یا دیه انگشتان دست زن به نصف کاهش یابد. زیرا در چنین صورتی هر کدام از دو صدمه جداگانه محاسبه می گردد. پس این اشکال درست نیست که هر اندازه مرد جنایتش را بر زن بیشتر کند، مجازاتش کمتر شود.

نتیجه این که قصاص و دیه اگر چه از قوانین امضایی اسلام است، ولی این مسأله هیچ تلازمی با عدم دوام آن ندارد و تفاوت بین زن و مرد در قصاص و دیه به معنای تبعیض بین انسان ها به لحاظ جنسیت و نقص ارزش جان و حق حیات زن نمی باشد و موجب ترویج خشونت بر ضد زنان نیست.

۱-ر.ک. کار، پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، صص ۱۷۳-۱۷۲، ۲۶۱-۲۶۰، کار، رفع تبعیض از زنان، ص ۸۰

## پیشنهاد حقوقی

با توجه به مباحث مطرح شده در بحث قصاص مرد در برابر زن و فتوای چهار تن از مراجع فعلی مبنی بر جواز پرداخت فاضل دیه زن از بیت المال در صورت وجود مصلحت برای فراهم شدن زمینه قصاص، پیشنهاد می گردد؛ قانون گذار ذیل ماده ۲۰۹ ق.م.ا. تبصره ای بدین شرح اضافه نماید:

«چنانچه مصلحت مقتضی قصاص قاتل باشد، لیکن ولی مقتول توان پرداخت فاضل دیه را نداشته باشد، فاضل دیه از بیت المال پرداخت گردد».

## فهرست منابع

- ◆ ابن منظور، الافریقی المصری: «اللسان العرب»، دار صادر، بیروت، ج اول، ۱۹۹۷.
- ◆ ابی الصلاح الحلبی: «الکافی فی الفقه»، مکتبه الامام امیرالمؤمنین، اصفهان
- ◆ الجزیری، عبدالرحمن: «الفقه علی المذاهب الاربعه»، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- ◆ الحلی، الحسن بن یوسف: «قواعد الاحکام»، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ج اول، ۱۴۱۹.
- ◆ الحلی، زین الدین بن علی الحلی: «مسالک الافهام»، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ج اول، ۱۴۱۹.
- ◆ الخوری الشرتونی، سعید: «اقرب الموارد»، دار الاسبوة، تهران، ج اول، ۱۳۷۴.
- ◆ الخوئی، السید ابوالقاسم الموسوی: «مبانی تکلمة المنهاج»، دارالزهراء، بیروت.
- ◆ الخوئی، سید ابوالقاسم الموسوی: «مصباح الفقاهة»، دارالزهراء، بیروت، بی تا.
- ◆ السباعی، مصطفی: «المرأة بین الفقه و القانون»، دار الوراق، بیروت، ج هفتم، ۱۴۲۰.
- ◆ الطریحی، فخرالدین: «مجمع البحرين»، انتشارات مرتضوی، تهران، ج سوم، ۱۳۷۵.
- ◆ الطوسی، محمد بن الحسن: «المبسوط»، المکتبه المرتضویه.
- ◆ الطوسی، محمد بن علی: «الوسيلة» مکتبه آية الله المرعشی، قم، ج اول، ۱۴۰۸.
- ◆ الطوسی، جعفر بن الحسن الطوسی: «شرايع الاسلام»، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ج اول، ۱۴۱۵.
- ◆ العاملی، زین الدین بن علی: «الروضه البهية»، المکتب الاعلام الاسلامی، قم، ج دهم، ۱۳۷۶.
- ◆ العکبری، محمد بن محمد (شیخ مفید): «المقنعة»، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ج چهارم، ۱۴۱۷.
- ◆ النجفی، محمد حسن: «جواهر الکلام»، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج چهارم، ۱۳۷۴.
- ◆ المقدس الاردبیلی، احمد: «مجمع القائده و البرهان»، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ج اول، ۱۴۱۶.
- ◆ امام خمینی: «تحریر الوسیله»، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
- ◆ انصاری راد، رضا: «حقوق جزای اسلام و مسأله قصاص و دیه زن»، روزنامه زن، ۱۳۷۷/۷/۱.
- ◆ بجنوردی، نسیم: «دیه و زمان»، روزنامه زن، ۱۳۷۷/۱۰/۱۶.
- ◆ جوادی آملی، عبدالله: «فلسفه حقوق بشر»، نشر اسراء، قم، ج دوم، ۱۳۷۷.
- ◆ حائری، سید کاظم حسینی: «القضاء فی الفقه الاسلامی»، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ج اول، ۱۴۱۵.

- ◆ حر العاملی، محمد بن الحسن: «وسائل الشیعه»، مؤسسه آل البيت، قم، چ سوم، ۱۴۱۶.
- ◆ خامنه ای، سید محمد: «حقوق زن»، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چ دوم، ۱۳۷۵.
- ◆ سروستانی، ابراهیم شفیعی: «تفاوت زن و مرد در دیه و قصاص»، سفیر صبح، تهران، چ اول، ۱۳۸۰.
- ◆ سعیدزاده، سید محسن: «خون بهای زنان چرا نابرابر؟»، مجله زنان، شهریور و مهر ۱۳۷۶.
- ◆ صانعی، یوسف: «فقه الثقلین (کتاب القصاص)»، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ اول، ۱۳۸۲.
- ◆ ظهیری، عباس: «قصاص در بوته نقد و تحقیق»، پاسدار اسلام، اسفند ۱۳۷۴ و فروردین ۱۳۷۵.
- ◆ عبادی، شیرین: «حق حیات زنانه»، نشریه جامعه سالم، شهریور، سال پنجم، ۱۳۷۴.
- ◆ عوده، عبدالقادر: «التشريع الاجنائی الاسلامی»، دارالکتاب العربی، بیروت.
- ◆ فضل الله، السید محمد حسین: «دنیا المرأة»، دارالملاک، بیروت، چ چهارم، ۱۴۱۸.
- ◆ کار، مهرانگیز: «رفع تبعیض از زنان»، نشر قطره، تهران، چ اول، ۱۳۷۸.
- ◆ کار، مهرانگیز: «پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران»، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران، چ اول، ۱۳۷۹.
- ◆ محقق اردبیلی، ملا احمد: «مجمع الفائده والبرهان»، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۶.
- ◆ محقق کرکی: «جامع المقاصد»، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۸.
- ◆ مجلسی، محمد باقر: «بحار الانوار»، مؤسسه الوفار، بیروت، چ دوم، ۱۴۰۳.
- ◆ مرعشی، سید محمد حسن: «دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام»، نشر میزان، تهران، چ اول، ۱۳۷۹.
- ◆ مطهری، مرتضی: «حقوق زن در اسلام»، دفتر انتشارات اهل بیت، قم، ۱۳۶۱.
- ◆ موحد شریعت پناهی، زیلا: «قصاص از دیدگاه قرآن»، ایران فردا، سال چهارم، مرداد ۱۳۷۴.
- ◆ مهرپور، حسین: «مباحثی از حقوق زن»، انتشارات اطلاعات، تهران، چ اول، ۱۳۷۹.